



یادداشت

راه حل های خامنه‌ای و روحانی هر دو بیراهه اند!
صادق کار



حسن روحانی پس ۴۰ سال فعالیت در مقامات عالی حکومتی و امنیتی و از عامران اصلی سرکوب احزاب و سازمان های اجتماعی دگراندیش دو روز پیش طی یک سخنرانی، پس از اشاره به اهمیت کار حزبی و رابطه حزب و دموکراسی گفته است برای اداره و گردش قدرت (نقل به معنی) "ما" نیاز به دو سه حزب داریم. منظور او نظر به سوابقی که در مدیریت سرکوب احزاب، سندیکاها، سازمانهای دانشجویی، اجبار زنان به سر کردن روسری و غیره در پرونده اش دارد، از فعالیت حزبی نمی تواند آزادی برای همه احزاب و جریانات اجتماعی-سیاسی در کشور باشد. مقصود او به احتمال زیاد آزادی فعالیت برای دو سه تا حزب "خودی" که به نوبت بتوانند دولت را در اختیار داشته باشند و قدرت را یک جوری که مطلوب همه خودی باشد با هم از این طریق تقسیم کنند باید باشد!

روحانی در شرایطی دم از آزادی احزاب می زند، که در طول ریاست جمهوری اش نقش فعالی در سرکوب ها داشته و حتی فعالیت چند نهاد صنفی و سندیکایی را دولت اش تحمل نکرده است و هم اکنون نیز هفته‌ای نیست که چند فعال سندیکایی و اجتماعی محاکمه و محکوم نشوند!

کمی پیشتر از اظهارات روحانی، علی خامنه‌ای نیز در ملاقات مجازی با عده‌ای از نمایندگان دانشجویی، راه حل نجات کشور از بحران هایی را که خود وی در ایجاد آنها بیشترین سهم را به عهده داشته و دارد، را در جانشین کردن نسل جوان حزب الهی ها با حزب الهی های پیر اعلام کرده بود. روزنامه "بهار" به نقل از سخنرانی خامنه‌ای نوشت: " دولت جوان و حزب‌اللهی علاج مشکلات کشور است". خامنه‌ای در قسمت دیگری از سخنرانی اش پس از پیش کشیدن "عدالت خواهی" بر نیروی چپ تاخت و از دانشجویان خواست که مراقب باشند



که دیگران "چپ ها" از شعار "عدالت خواهی" به نفع خودشان بهره برداری نکنند! نگرانی خامنه‌ای از چپ ها در مقام رهبری حکومت که طی ۳۰ سال حکمرانی اش بیشترین نقش را در ایجاد و گسترش بی عدالتی داشته و دارد البته بی مورد نیست. او اکنون می بیند که هرچه در ۳۰ ساله گذشته رشته حتی از طرف دانشجویان هوادار خودش که مدعی عدالت طلبی هستند پنبه شده است و حنای عدالت خواهی اش رنگ باخته و پرچم عدالت خواهی که همواره چپ ها و در هر شرایطی آنرا برافراشته نگاه داشته‌اند، دوباره در اثر سیاست های عمیقاً عدالت ستیزانه او و رژیم ارتجاعی اش بر فراز کشور به اهتزاز درآمده است و فریاد عدالت خواهی مردم به جان آمده از بیداری های رژیم در سراسر کشور طنین انداز است و چپ کشی ها و قتل عام عدالت خواهان توسط رژیم نتوانسته است عدالت خواهی را از میان بردارد. به همین جهت بار دیگر نیروی اصلی و واقعی جنبش عدالت خواهی را آماج حملات خود قرار داده تا جنبش عدالت خواهانه را با سرکوب چند باره جنبش چپ، از میدان مبارزه به در کند! او که نمی خواهد دست از سیاست های عدالت ستیزانه اش بردارد، به دانشجویانی که دیگر فریب دادنشان به سبک و سیاق گذشته ممکن نیست و عده سرخرمن "دولت جوان و حزب الهی علاج مشکلات کشور است" را می دهد، بلکه آنها را آرام کند!

گذشته از دلایل و اهدافی که روحانی و خامنه‌ای از طرح چنین راه حل های متفاوتی دارند، اما واقعیت آن است که هر دوی این راه حل ها فریبکارانه است و جوابگویی مقتضیات کشور و مردم نیستند.

چیز خاصی قرار نیست بر اثر پیشنهادات خامنه‌ای و روحانی در کشور متحول شود. خود روحانی و نزدیکان اش هم خواهان چنین تحولی نبوده و نیستند، چرا که اگر اعتقادی به حق برابر و آزادی برای همه مردم در تدوین قوانین و اداره کشور داشتند، با گذشت ۷ سال دوره ریاست جمهوری اش همان طرح کج و معوج و متناقض "حقوق شهروندی" اش را اجرا می کرد، تا حد و حدود اعتقادات اش به فعالیت حزبی را روشن می کرد. روحانی واقف است اگر نظام حزبی دمکراتیک در کشور بوجود آید، اثری از حکومت ولایتی باقی نمی ماند. همه سرکوب های ۴۰ ساله گذشته ناظر بر جلوگیری از فعالیت احزاب و سندیکاها و غیر حکومتی و حذف فیزیکی و فکری مخالفان جمهوری اسلامی از صحنه سیاسی و اجتماعی بوده اند تا نظام فقهاتی حفظ و امثال روحانی بتوانند در یک میدان کم رقیب رئیس جمهور شوند و خامنه‌ای ۳۰ سال رهبر بماند و قدرتی مافوق یک شاه پیدا کند.

وانگهی مشکل کشور کمبود احزاب و سازمان نیست. ما در کشور هم اکنون کلی حزب و دسته دولتی و حکومتی داریم که هر کدام سهمی از قدرت و ثروت و امکانات کشور را در اختیار و کنترل خود دارند و اگر نمی کنند، بخاطر هیچ چیز مگر سهم خواهی بیشتر از یک قدرت نیست و ربطی به حق و حقوق مردم عادی ندارد!

در میان گروه‌های تحت سرکوب دگراندیش و اپوزیسیونی هم حزب و سازمان کم نداریم. مشکل آنها این است که ۴۱ سال است با سرکوب و کشتار و انواع تبلیغات دروغ از فعالیت آزادانه شان جلوگیری می شود و به آنها امکان دفاع از خود را هم نمی دهند.

ما در زمان انقلاب هم بیش از ۱۰۰ سندیکا، اتحادیه، شورا و صدها نهاد اجتماعی فعال در زمینه‌های مختلف در کشور داشتیم، همه آنها تا حدودی گروه‌های اجتماعی، فرهنگی، انتیکی در جامعه را نمایندگی یا معرف مطالبات و اندیشه ها و تفکرات آنها از لحاظ مختلف بودند.



در آغاز انقلاب صدها، روزنامه، مجله و نشریه گوناگون فعالیت می کردند که هر کدام شان معرف و منعکس کننده نظرات و اندیشه های متنوع گروه هایی از مردم کشور ما بودند، همگی آنها به تدریج سرکوب و از فعالیت بازماندند. حجاب با زور تفنگ و چماق اجباری شد، سازمان هان های زنان، کانون نویسندگان، نهادهای فرهنگی و هنری اکثرا سرکوب شدند. سانسور کتاب از سر گرفته شد و کتاب سوزان باب گردید.

آزادی انتخاب و انتخاب شدن از همان آغاز محدود و بزودی از مردم گرفته شد و دولت و مجلس از چند لیبرال و دگر اندیش که به آنها راه یافته بودند تهی و آرای منتخبان چپ گرا در نخستین انتخابات مجلس لگد مال شد و از ورود آنها به مجلس جلوگیری شد. سال به سال در طول این چهار دهه که روحانی و رفقای شان قدرت حاکمه بودند و هستند بدتر و دیکتاتوری و اختناق بیشتر و ذره های از دموکراسی باقی نماند.

نتیجه همه این ها استبداد و اختناق، عقب ماندگی، فقر و تنگ دستی سه چهارم مردم کشور، افلاس اقتصادی – اجتماعی، میلیون ها بیکار، لبریز شدن زندان ها از زندانی، نهادینه شدن فساد، گسترش اعتیاد و بزهکاری، شکاف بی سابقه طبقاتی، تهدیدات مداوم خارجی و انزوای کشور در دنیا است.

بنا بر آن چه گفته شد مشکل کشور کمبود احزاب و بی علاقه ای به فعالیت های سیاسی و اجتماعی نیست که روحانی و خامنه ای راه نجات کشور را کشف کرده باشد. جانشینی نیروهای جوان حزب الهی با امثال جنتی، یزدی، منتظری و حاکمان حزب الهی پیر و مرتجع نیز آن طور که علی خامنه ای فریبکارانه بیان می کند راه حل نیست! ترفندی است برای نجات رژیم در مانده و فاسد از اضمحلال و فروپاشی.

راه حل پذیرش دموکراسی و آزادی و برابری و عدالت برای مردم، آزادی زندانیان سیاسی و اجتماعی، برداشتن سانسور، تغییر قانون اساسی، آزادی احزاب و سندیکاها کارگری و برچیدن بساط همه نهادهای دینی حکومتی، از ولایت فقیه و شورای نگهبان گرفته تا مجلس ارتجاعی خبرگان رهبری، پذیرش حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه نهادهای قانون گذاری و اجرایی صرف نظر از جنس، عقیده و تعلقات اتنیکی، پذیرش بی قید و شرط حق انتخاب، عقیده، مسلک، حجاب و سایر حقوق مندرج در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر است.

اینها از شروط اساسی و لازمه فعالیت حزبی مبتنی بر دموکراسی است که نه روحانی و نه خامنه ای و نه اکثر گردانندگان رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی هیچ کدام شان داوطلبانه حاضر به تن دادن به آنها نبوده و نیستند. بنا بر این راه حل هر مقام اول و دوم حکومت به رغم تفاوت های شان نه آن چیزی است که اکثریت مردم کشور می خواهند، نه می تواند بحران های کشور را رفع و نه مانع بدتر شدن اوضاع و موقعیت کشور و مردم شود. هم از این رو هر دو ناکجا آباد های هستند که برای فریب مردم و بقای رژیم متزلزل مطرح شده اند. رژیمی با مختصات جمهوری اسلامی که آنقدر بی اعتبار گردیده است که حتی حکومتی ترین نهادهای اش امثال "بسیج دانشجویی" رو در روی رهبر حکومت می ایستند و رهبری او و نهادهای مورد اعتماد و حمایت اش را به پرسش می کشد، اساسا نه قابل تحمل و دوام و نه بقای اش به سود مردم و کشور است. مبارزه واقعی برای استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی هم اکنون به رغم سیطره فاجعه بار بیماری کرونا بر کشور جریان دارد و این مبارزات توده های به جان آمده از فقر و تبعیض و بی عدالتی هستند که با مبارزات شان می توانند کشور را از شر دیکتاتور، بی عدالتی و تهدیدات خارجی رها سازند!



دزدان مدعی و در قدرت؛ رد پای نهادهای امنیتی و قضایی خوزستان در پرونده‌ی اختلاس هفت‌تپه مراد رضایی



مشرف
mashreghnews.ir

سروش هیچکس، رپر معروف و پرطرفدار ایرانی، اثری دارد با عنوان «خلافکارای اصلی». در بخشی از شعر این اثر، هیچکس می‌گوید «خلافکارای اصلی قیافه‌های نادخ‌دارن/ وقت واسه خالی کردن دَخلِ ندارن/ تختِ خیالشون و دورانِ سختِ ندارن/ توو صورت زخمِ ندارن». با شنیدن خبر محاکمه‌ی امید اسدبیگی و دست داشتن نهادهای امنیتی و قضایی در اختلاس و فساد این جوان تازه به دوران رسیده، من اول یاد این ترانه افتادم.

وقتی می‌گوییم «دزد»، اولین تصویر در ذهنمان، تصویری است که عموماً در تولیدات تصویری دیده‌ایم. فردی با نقاب و چراغ قوه، که در دل شب به خانه‌ای یا خودرویی می‌زند و احتمالاً فرشی از خانه یا ضبطی از خودرو می‌کند و می‌برد! این شکل از دزدی در وضعیت بحران اقتصادی بیشتر هم می‌شود. من در مقام توجیه جرم نیستم. اما واقعاً پاسخ کوتاه مدتی برای کارگری که با شش ماه حقوق معوق، شرمزده‌ی اشک‌های فرزندش می‌شود هم ندارم. در طولانی مدت می‌توانم به او بگویم برای تغییر وضعیت موجود تلاش کند. اما در کوتاه مدت چه؟ نمی‌دانم!

دادگاه فساد اقتصادی: امید اسدبیگی؛ خلافکار اصلی

اما دزد اصلی نه نیازی به تاریکی دارد و نه به پوشاندن صورت. حجم دزدی‌های اصلی به قدری بزرگ است که خرده سرقت‌های معمول در مقابل آن‌ها شوخی به نظر می‌رسند.

روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت‌ماه جاری، دو جلسه دادگاه برای رسیدگی به پرونده ۲۱ متهم کلان ارزی از جمله مدیران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برگزار شد.



البته موضوع این دادگاه نه هفت‌تپه، که مساله‌ی تخلفات ارزی بود. یعنی دستگاه قضایی هنوز به مساله‌ی اختلاس و فساد در هفت‌تپه وارد نشده است. اینکه اسدبیگی چطور و با چه سازوکاری هفت‌تپه را خرید، کارگران را استثمار کرد و معترضان به وضعیت را تحت فشار قرار داد.

بر اساس اعلام مسعود شاه‌محمدی نماینده دادستان در این دادگاه، امید اسدبیگی مدیر عامل و مالک عمده مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، متهم ردیف اول این پرونده است که متهم به «سردستگی سازمان‌یافته اخلاقی در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز» و «معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی» شده است.

برای درک عمق این فساد ارزی، تنها یک ضرب و تقسیم ساده لازم است. امید اسدبیگی، به میزان یک میلیارد و پانصد میلیون دلار ارز دولتی دریافت کرده است. ارز دولتی همان دلار ۴۲۰۰ تومانی جهانگیری است. فرض کنیم اسدبیگی هر دلار را ۱۰ هزار تومان فروخته باشد. توجه کنید که پس از راه افتادن بازار مکاره‌ی ارز دولتی، قیمت دلار هیچگاه کمتر از ۱۰ هزار تومان نشد و همیشه چند هزار تومانی بالاتر از این رقم بود. اما فرض محال که محال نیست. در نتیجه اسدبیگی در هر دلار ۵۸۰۰ تومان سود کرده است که با ضرب در ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به رقم ۸'۷۰۰'۰۰۰'۰۰۰'۰۰۰ تومان می‌رسیم. من حقیقتاً خیلی تلاش کردم که این رقم را بخوانم. اما سواد ریاضی‌ام قد نداد!

دست مسئولان خوزستان در پرونده

هیچ گزارش کاملی از دادگاه امید اسدبیگی و هم‌دستان‌اش وجود ندارد. اما سایت خبری خورنا، در گزارشی کوتاه، اشاراتی به بخش‌هایی از پرونده‌ی امید اسدبیگی کرده است. بخش‌هایی از این گزارش در زیر می‌آید:

نماینده دادستان: یک اتهام دیگر اسدبیگی، آلوده کردن مسئولین بوده است. اسدبیگی اعتقاد دارد هر کسی را در هر مقامی میتوان خرید! همسر استاندار خوزستان اعتراف کرده که هزینه سفر استاندار و خانواده وی (چندین خانواده و وابستگان) را اسدبیگی داده. هزینه بلیط‌ها و تور ۲۵ هزار دلار شده است!

نماینده دادستان: اسدبیگی بواسطه شخصی به اسم علی اکبر میرزائی مبلغ ۲۰۰ هزار دلار به همسر استاندار خوزستان داده!!

اما نام‌های دیگری هم در این پرونده هستند که رسانه‌ها بازتاب داده نشده است. کانال مستقل کارگران هفت‌تپه، که بازتاب دهنده‌ی نظرات برخی از فعالان کارگری هفت‌تپه است در این زمینه نوشته است:

مثلاً آقای صادقی رییس سابق اطلاعات شهرستان شوش که آپارتمانی در اهواز برایش خریداری شده است. البته مترانش نمی‌دانم ۱۲۰ متر است یا ۱۴۰ متر!؟

یه کمی بیشتر با دقت نگاه کنیم رییس پلیس امنیت شوش، شخصی به نام مرتضی بهمنی را خواهیم یافت و علت این همه پرونده سازی و ریختن شبانه در خانه‌های کارگران را خواهیم یافت.

یه کمی دیگر با دقت نگاه کنیم قطعاً تراکنش‌های مالی دادستان شوش و رییس دادگاه شوش و اسدبیگی را پیدا خواهید کرد!



یه کم بیشتر دقت کنید رد پای ۲۰۰ هکتار زمین چغندری که بدون یک ریال برای دادستان اهواز کشت شده است را پیدا خواهید کرد، رابطش هم شفيعی مدیر غير نيشكرى است! كافى است تراكنش هاى مالى بين دادستان اهواز (حسينى پويا) و شفيعى را كنترل كنيد.

يه كمى بيشتر دقت كنيد و حساب هاى تميمي رييس اداره كار شوش را چك كنيد همه چيز معلوم مى شود!

يه كمى بيشتر دقت كنيد ليست هاى استخدام مسئولان شهرستان و استان كه خويشاوندان خود را در قبال حمايت هاى غير قانونى از اسدبىگى ها استخدام كرده اند را قطعاً خواهيدديد!

ظاهراً فساد در هفت تپه، بسيار بيشتر از چپاول دارايى هاى كارگران و نيشكر هفت تپه بوده است. ميليون ها دلار پول، در وضعيتى كه كشور حتى براى واردات دارو با مشكل مواجه است، در ميان مسئولين استان خوزستان پخش شده است. معترضين به اين فساد سازمان يافته نيز بازداشت و شكجه شده اند تا چيزى از اين اوضاع نابسمان نگويند.

البته گشوده شدن اين پرونده قضايى، دردى از دردهاى كارگران هفت تپه كم نمى كند. كارگرن هنوز حقوق معوق دارند، تشكلى مستقل ندارند، بيمه مى مشاغل سخت و زيان آور آن ها پرداخت نمى شود و قراردادهائى سه ماهه و يك ماهه دارند.

چند سال پيش، وقتى تشكلى رسوايى مالى برخى از سران نظام، در پرونده معروف به سه هزار ميليارد از بام افتاده بود، محسنى از هائى سخنگوى قوه قضاييه، گفته بود: رسيدگى به اين پرونده جزو افتخارات نظام است، نه افتخارات قوه قضاييه و همچنين جزو افتخارات مجلس و قوه قضاييه است. قوه قضاييه در نقش ناجى و منجى، با ظاهرى بى خبر از همه جا وارد صحنه شده است. چرا كه پرونده فساد در هفت تپه ديگر امكان لاپوشانى نداشت.

حقانيت اعتراضات هفت تپه، كه به نماد اعتراضات كارگرى در كشور بدل شده است، از همان ابتدا آشكار بود. اين پرونده تنها مى تواند نشانه اى باشد از فساد سازمان يافته در خصوصى سازى هاى سال هاى گذشته. هر چند اسدبىگى از موضعى طلبكار در دادگاه گفته است «آقاى قاضى من به آخر خط رسيدم. اينها مى خواهند هفت تپه را از من بگيرند. بياييد از من بخريد.» اما كارگران هفت تپه ديگر زير بار هفت تپه خصوصى و خصوصى نخواهند رفت.

راه حل فساد در هفت تپه، و ساير بخش هاى بحران زده صنعت، در مطالبه اى است كه كارگران هفت تپه يك ماه با آن اعتصاب كردند: دخالت مستقيم تشكلى هاى مستقل كارگرى، در روند مديريت صنايع.

به سر كوب سديكاهائى كارگرى پايان دهيد!



اتحادیه و سندیکای مستقل کارگری چه ویژگی هایی دارد؟ - بخش دوم علی صمد



در حقوق کار موضوع ایجاد تشکل های اتحادیه ای یا سندیکایی از مهمترین مسائل کارگری می باشد. در بخش اول نوشته با مراجعه به قوانین بین المللی متذکر شدیم که سندیکا یا اتحادیه دارای اهداف صنفی، حقوقی، رفاهی، بهداشتی و سیاسی می باشد. و تشکیل اتحادیه و سندیکا طبق مقاله نامه های بین المللی جزو حقوق اساسی کارگران است. در ضمن در نوشته قبلی تاکید کردیم که مهم ترین منابع خارجی حقوق کار عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند مصوب ۱۹۴۸، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوبات سازمان بین المللی کار.

در عرصه داخلی؛ قانون اساسی، قوانین عادی، تصمیمات شورای عالی کار، و مقررات دولتی هستند که مجموعاً تاکنون در حدود ۳۷ آیین نامه اجرایی در رابطه با فصول متعدد قانون کار را به تصویب رسانده است که همین آنها مهم ترین منابع حقوق کار در جمهوری اسلامی می باشند.

پیش از انقلاب تشکل های کارگری در چارچوب سندیکا، اتحادیه و کنفدراسیون فعالیت می کردند. از اردیبهشت سال ۵۹ تعداد سندیکاها به سرعت افزایش یافتند اما بعد از آن در عمل بدلیل سرکوب و محدودیت های برنامه ریزی شده، فعالیت سندیکاها کاهش پیدا کرد و با سیاست ها و هماهنگی های حکومتی و ارگان های امنیتی آن، شوراهای اسلامی کار شروع به فعالیت کردند و روز بروز با امکاناتی که در اختیارشان گذاشته شده بود جلوی فعالیت دیگر تشکل های مستقل کارگری را گرفتند.

برای داشتن ارزیابی روشن از شوراهای اسلامی کار، لازم است به قانون تشکیل این تشکل که در سال ۶۳ به تصویب رسید مراجعه ای داشته باشیم. تا از این طریق با آشنایی از کارکرد و مختصات واقعی این ارگان دولتی و وابسته به حکومت، اطلاعات لازم و کافی برای ادامه بحث در دسترس داشته باشیم. اما پیش از آن به شکل اجمالی به



تشکیلات خانه کارگر و فضای اول انقلاب که منجر به محدودیت هایی توسط دولت موقت علیه کمیته های اعتصاب و شوراهای کارگری شد، می پردازیم.

اولین محدودیت علیه سندیکاها و شوراهای کارگری

پس از انقلاب اولین و مهم ترین محدودیت علیه شوراهای کارگری که در آستانه انقلاب از دل فعالیت اعتصابات کارگری بوجود آمده بودند با مصوبه "تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار" در وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۸ آغاز شد. در ماده ۵ تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار آمده بود که "جلوگیری از دخالت های کمیته های اعتصاب یا شوراهای کارکنان و نظائر آن در مدیریت موسسات و انتصابات" از وظایف این نیرو به شمار می آید. در ادامه این روند و با تصویب قانون اساسی، حکومت وقت به نتیجه مورد نظرش رسید. یعنی با اصل ۱۰۴ قانون اساسی و نیز "قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار" مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۳۰، تشکل "شورای اسلامی کار" به عنوان تنها تشکل کارگری در واحدهای تولیدی و خدماتی رسمیت قانونی پیدا کرد. سپس شورای انقلاب برای مراکز بزرگ صنعتی در باره ممنوعیت تشکیل هر گونه سازمان کارگری تا اطلاع ثانوی بخشنامه ای صادر کرد و تا کنون هم این ممنوعیت به جای خود باقی مانده است. نتیجه چنین تصمیمی به حذف و انحلال سندیکاها و مستقل کارگری منجر شد و بدین ترتیب به شکل خشونت آمیزی جلوی فعالیت اغلب تشکل های کارگری را در سال ۶۲ گرفتند.

تشکیلات خانه کارگر

سایت خانه کارگر خود را چنین تعریف کرده است: "به منظور نیل به اهداف والای اسلام ناب محمدی خانه کارگر به عنوان یک تشکیلات معتقد به ولایت فقیه و ملتزم به قانون اساسی برای هدایت و سازماندهی نیروهای مدافع حقوق محرومین و مستضعفان تشکیل می گردد تا در راستای تحقق اهداف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد شرایط مناسب و امکان لازم برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال کارگران در رهبری کشور فعالیت نموده و در راه استمرار بخشیدن به انقلاب اسلامی و نظام قسط الهی و اجرای احکام الله و تداوم راه حضرت امام خمینی «قدس سره الشریف» در زمینه های صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تا ظهور حضرت مهدی «عج» با تاکید بر موارد زیر ... تلاش خواهد نمود".

ماهیت ایدئولوژیک تشکیلات خانه کارگر، این جریان را از خواسته ها و مطالباتی که یک تشکل کارگری می بایست در جهت دفاع از منافع کارگران مطرح کند بسیار دور کرده است. در ضمن طبق قوانین جمهوری اسلامی، خانه کارگر حتی جزو تشکل های رسمی که در قانون کار پیشبینی شده اند به حساب نمی آید. این تشکل فاقد شرایط مقابله نامه های سازمان بین المللی کار است. در این وضعیت چگونه می توان این تشکل دولتی و ایدئولوژیک را تشکل کارگری دانست؟ بویژه اینکه ساختار و ماهیت آن اصلاً دموکراتیک نیست و در آن گردش رهبری وجود ندارد. در صورتی که در سندیکا و اتحادیه کارگری ساختارهای دموکراتیک وجود دارد و چرخش رهبری در آن جزو اصول اصلی و بدیهی به شمار می آید. در ضمن تشکیلات خانه کارگر ماهیت حقوقی روشنی ندارد و آن را به عنوان یک تشکل کارگری چنانکه پیش تر متذکر شدیم نمی توان در نظر گرفت. ساختار و ماهیت آن شورایی، اتحادیه ای، و حتی به صورت انجمن غیر انتفاعی و حزبی نیست. اما به شکلی تلاش می کند نشان دهد که همه این نقش ها را می تواند بازی کند. وابستگی خانه کارگر به دولت و ارگان های امنیتی بر کسی پوشیده نیست و همین وابستگی، جایگاه ویژه ای به این تشکل دولتی در ساختار قدرت داده است.

خانه کارگر از یک طرف به حزب شباهت دارد در صورتی که تشکل کارگری نمی تواند حزب یا سازمان سیاسی



باشد زیرا کارکردش طرح مطالبات صنفی، اجتماعی، مدنی و سیاسی در عرصه عمومی است. در ضمن تشکل کارگری توسط کارگران از پایین و نه با دستور، سفارش دولتی و یا با بخشنامه ای تشکیل می شود. طبق قوانین بین المللی عضویت در تشکل صنفی کارگری آزاد است و محدودیتی برای هیچ کارگری برای عضویت در آن وجود ندارد. و تشکل کارگری اگر هم روزی بخواهد خود را منحل کند تنها با رای و تصمیم اعضای کارگر آن و نه با تصمیم ارگان های دولتی، قضایی و امنیتی، اینکار انجام می گیرد.

کارگران چندان نقشی در تصمیمات خانه کارگر ندارند. این تشکل نه تنها در ایجاد فضای دمکراتیک برای فعالیت دیگر تشکل های کارگری تلاشی نکرده بلکه برعکس در سرکوب فعالین کارگری و حذف تشکل های کارگری فعالیت گسترده و سیاهی داشته است. وقتی تشکلی فاقد ساختار دمکراتیک می باشد و کارگران در تاسیس و ادامه فعالیت و انحلال آن نقش اصلی را ایفا نمی کنند و در سطح مدیریت هم تغییری در چرخش رهبری انجام نمی گیرد. در آن صورت آن تشکل را نمی توان به عنوان یک تشکل دمکراتیک کارگری و مستقل در نظر گرفت.



تشکیلات خانه کارگر و رهبران آن همواره در برابر برخوردهای پلیسی و امنیتی حکومت برای سرکوب فعالین کارگری، کارگران و تشکل های کارگری در جمهوری اسلامی یا همراهی گسترده و یا سکوت کرده اند. جالب است خانه کارگر حتی اجازه دریافت مجوز راهپیمایی برای اول ماه می هم نمی تواند از حکومت بگیرد و کارنامه روشنی در برگزاری اعتصابات کارگری نه تنها نداشته بلکه در برهم زدن و سرکوب آنها هم نقش پر رنگی داشته است.

دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کارفرمای بزرگ به خانه کارگر و زیر مجموعه های آن نیاز دارد چون نمی خواهد کارگران متشکل در سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری شوند. اگر کارگران در تشکل های واقعی متشکل و برای احقاق حقوق شان مبارزه کنند دولت و کارفرمایان با پرداخت هزینه های بسیار بالایی روبرو خواهند شد و به همین خاطر نفع دولت و حکومت برای حفظ فعالیت خانه کارگر در این است که کارگران نتوانند تشکل های واقعی خود را تشکیل دهند.

قوانین کار در رابطه با تشکل های کارگری

بنا به تبصره چهارم از ماده ۱۳۱ قانون کار سال ۱۳۶۹، اگر کارگران بخواهند به سازماندهی مطالبات صنفی و



مدنی خود اقدام کنند تنها می توانند در چارچوب سه تشکل مشخص یعنی شورای اسلامی کار، انجمن صنفی و نماینده کارگری، فعالیت کنند.

جدا از این سه تشکل تحت کنترل دولت یا حکومت، ایجاد هرگونه اتحادیه، سندیکا یا تشکل مستقل کارگری تحت هر عنوانی کاملاً ممنوع اعلام شده است (در این مورد تبصره دوم و چهارم از ماده ۱۳۱ قانون کار سال ۱۳۶۹ این ممنوعیت را رسماً درمفاد خود آورده است و بدین طریق امکان شکل گیری سندیکاهای مستقل کارگری را نمی دهد).

شوراهای اسلامی کار

بعد از انقلاب با به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران، شوراهای اسلامی کار در سال ۱۳۶۳ یعنی چند سال پیش از به تصویب رسیدن قانون کار جدید، تشکیل شدند. پس از مدتی دولت تصمیم گرفت تغییراتی در قانون کار و آیین نامه های مربوط به آن بوجود آورد. در ادامه وزارت کار و اژه "انجمن صنفی" را به جای "سندیکا" و سپس "کانون" را به جای "فدراسیون" و در آخر "کانون عالی" را به جای "کنفدراسیون" وارد قوانین کار کشور کرد.

تعریف و شرایط عضویت در شوراهای اسلامی کار

شورای اسلامی کار، شورایی است مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان یک کارگاه و نماینده کارفرما (مدیریت) که در واحدهای دارای بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم، تشکیل می شود.

عضوگیری در این شورای اسلامی با قید مسلمان بودن انجام می گیرد و به عنوان تشکلی فراگیر برای همه کارگران نمی باشد. شورای اسلامی تشکلی صنفی- طبقاتی نیست و بر اساس ماده اول قانون این تشکل و تعریفی که از آن شده، شورا با هدف تامین قسط اسلامی و همکاری در جهت تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در مراکز کارگری تشکیل می شود و مشخصاً ترکیبی از نمایندگان گزینشی از کارگران و کارکنان به انتخاب مجمع عمومی و نماینده مدیریت می باشد. اعتقاد و التزام به اسلام و ولایت فقیه و قانون اساسی، عدم گرایش به احزاب و گروه های غیر قانونی، تابعیت ایران و ... دیگر موارد عضوگیری در این شورای اسلامی است.

در ضمن قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار (مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی) دارای موادی است که اولاً هر کارگاهی حق تشکیل شورای اسلامی کار را ندارد (ماده ۱۵)، دوماً، در کارگاههایی که حق تشکیل شورای اسلامی کار را دارند، هر کارگری حق این را ندارد که به عضویت این شوراها در آید. (ماده دوم از قانون یاد شده و هم چنین ماده ۱۱ از آیین نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار).

در این میان نباید فراموش کرد کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول مواد مهمی از قانون کار، مانند حق تشکیل تشکل های کارگری محروم هستند. حتی آنها از حق تشکیل همین تشکل های حکومتی برخوردار نیستند. در سال ۱۳۸۶ طرحی تصویب شد که تقریباً تمام بنگاه های تولیدی و خدماتی زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار برای همیشه خارج شود. بنا به آماري که وجود دارد بیش از ۹۰ درصد بنگاه های تولیدی کشور بین ۱۰ تا ۲۰ نفر نیروی کار دارند. و از هیچ امکان حمایتی برخوردار نیستند.

تشکیل هیئت تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورا

بنا به قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار؛ "تشخیص صلاحیت" کاندیداهای عضویت در شورا به عهده هیئتی از ترکیب سه نفر می باشد که یک عضو آن نماینده اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دومی نماینده وزارتخانه مربوطه (بسته به نوع فعالیت و وابستگی کارخانه یا کارگاه به بخش خصوصی یا دولتی)، و سومی نماینده کارکنان



می باشند. علاوه بر انتخاب اعضای شورا، یک نفر از اعضای شورا به انتخاب مدیریت، حداکثر یک هفته از تاریخ برگزاری انتخابات، معرفی و به عنوان نماینده مدیر در شورا فعالیت می نماید. یعنی اینکه کاندیداهای نمایندگی به صورت گزینشی و قانونمند شده بر اساس آیین نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار انتخاب می شوند و غالباً نمایندگان گزینش شده از وابستگان "حزب اسلامی کار" و تشکل رانت خوار و امنیتی "خانه کارگر" و یا از نیروهای مورد تأیید هیئت های گزینش می باشند.

برگزاری انتخابات در شوراهای اسلامی

در مورد انتخابات شوراها در ماده سوم قانون مذکور آمده است که زیر نظر وزارت کار برگزار می شود و مدت اعتبار آن دو سال خواهد بود. و بنا به تبصره چهار ماده سوم این قانون، نخستین جلسه شورای اسلامی هر واحد حداکثر یک هفته پس از انتخابات به دعوت نماینده وزارت کار تشکیل می گردد. در ماده چهارم قانون شوراهای اسلامی آمده است که: "شورا در صورت انحراف از وظایف قانونی خود به تشخیص هیئت موضوع ماده ۲۲ منحل می گردد".

در ماده ۲۲ آمده است: "به منظور بررسی و تشخیص انحراف شوراها از وظایف قانونی خود و انحلال آنها (موضوع اصل ۱۰۶ قانون اساسی) در هر منطقه هیئتی به نام هیئت تشخیص انحراف و انحلال شوراها مرکب از هفت نفر به شرح زیر تشکیل می گردد:

- الف - سه نفر از نمایندگان شوراهای اسلامی کار به انتخاب شوراهای واحدهای منطقه؛
- ب - سه نفر از مدیران واحدهای منطقه به انتخاب خود آنان؛
- ج - یک نفر نماینده از وزارت کار و امور اجتماعی".

قابل ذکر است که طبق تبصره یک همین ماده ۲۲: "حدود منطقه موضوع این قانون را وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد". در این زمینه در بهمن ماه سال ۹۱، دستور عمل شماره ۲۷ روابط کار ابلاغ شده است که در آن به چگونگی تشکیل و حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد هیئت های تشخیص موضوع ماده ۲۲ پرداخته است.

نقش و نفوذ مدیر یا هیئت مدیره در تصمیم گیری های شورای اسلامی کار

در ماده یازدهم قانون شوراها آمده است: هرگاه مدیر یا هیئت مدیره نسبت به تصمیمات ابلاغ شده از جانب شورا در حدود وظایف شورا اعتراض داشته باشند می توانند نظر خود را از تاریخ ابلاغ شورا به مدت پنج روز اظهار و تقاضای تجدید نظر نمایند. در صورتی که شورای مزبور از رای خود عدول ننماید معترض می تواند مراتب را جهت رسیدگی نهایی به هیات موضوع ماده ۲۲ ارجاع نماید و رای آن هیات قطعی است.

سطح نفوذ و دخالت مدیریت در برگزاری مجمع فوق العاده در شورای اسلامی

در ماده دوازدهم از تبصره یک در مورد نفوذ و حق دخالت مدیریت در شوراهای اسلامی کار آمده است: شورا می تواند رأساً یا به تقاضای مدیریت یا به درخواست یک چهارم کارکنان واحد، مجمع فوق العاده کارکنان را تشکیل و موضوع مورد درخواست را در دستور جلسه قرار دهد و در صورت تقاضای بیش از پنجاه درصد کارکنان تشکیل مجمع الزامی است. در هر صورت تأیید هیئت موضوع ماده ۲۲ برای تشکیل مجمع فوق العاده ضروری است.

تا اینجای این نوشته تلاش شده است که نشان داده شود که منطق قوانین بین المللی مربوط به کار، بر این اساس تهیه و



تصویب شده که تشکل های کارگری مستقل باشند. و دولت ها و کارفرمایان در تشکیل و امور این تشکل ها دخالت نکنند. اما چنانکه روشن است طبق ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی، وزارت کار در هیئت تشخیص انحراف شورای اسلامی کار نماینده دارد. و حتی طبق ماده ۱۳۸ قانون کار "مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت می تواند در هر یک از تشکل های مذکور نماینده داشته باشند".

ادامه دارد

علی صمد

منابع:

قوانین مربوط به شوراهای اسلامی کار:

<https://tashakolha.mcls.gov.ir/fa/tashakolkargari/shoraaslami>

تصویب نامه تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار در وزارت کار و امور اجتماعی

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/104696>

قانون کار جمهوری اسلامی

<https://rkj.mcls.gov.ir/fa/moghararaat/ghavanin/ghanoonkar>

سایت خانه کارگر

<http://workerhouse.ir/>



دولت موظف است هزینه‌ی زندگی بیکار شدگان بر اثر کرونا را تامین کند!



حداقل بازده – دستمزد حداقلی استعماری در صنایع شیلات ساموا - بخش چهارم
بخشی از کتاب "تعادل جزر و مد - صنایع دریایی در اقیانوس آرام، ساموای آمریکا"
جوآن پوبلت - دانشگاه هاوایی زمستان ۲۰۲۰
ترجمه‌ی گودرز



تاریخچه صنعت تولید تون ماهی در ساموای آمریکا

آناسی مان مطالعاتی کرده و نتیجه می‌گیرد که ایالات متحده یک سیاست پراگماتیک برای برخوردی پرنعطاف در مقابل این مناطق تحت سلطه خود اتخاذ کرده است که در عین حال به ثبات ارتباط با آنها منجر شود. این استاندارد ها شامل نرخ های ویژه مالیاتی، تعرفه های تجاری، دستمزد، و کمک های مالی ارزنده برای حمایت از رشد اقتصادی بی رقیب در جزایر تحت کنترل می‌شود. در ساموای آمریکا تخفیف مالیاتی از سال ۱۹۷۶ به بعد مشابه مشوق هایی است که به شرکت های بزرگ تجاری در داخل ایالات داده می‌شود. تخفیف در تعرفه های تجاری با ایالات ۵۰ گانه، مناطق تحت سلطه آمریکا را باز هم برای سرمایه گذاری جذاب تر کرده بود. گزارش سال ۲۰۰۷ وزارت کار دولت ایالات متحده حاکی است که صادرات کنسرو های ماهی تون از ساموا به ایالات متحده از پرداخت تعرفه های گمرکی معاف هستند، چرا که مناطق تحت کنترل در واقع صادر کننده به حساب نمی‌آیند و بنابراین تعرفه های گمرکی به آنها تعلق نمی‌گیرد. بنابراین برای اجرای مقررات مالیاتی، ساموا منطقه داخلی محسوب می‌شد اما برای قوانین کار از قبیل حداقل دستمزد مشمول مقررات فدرال نمی‌شد.

از همان آغاز استقرار صنایع مربوط به ماهی تون دولت ساموای آمریکا (ASG) به عنوان واسطه بین سرمایه گذاران این صنعت و مسئولان فدرال در واشنگتن برای دریافت تخفیف های مالیاتی و لغو تعرفه های بازرگانی کار کرده است، تا بلکه بتواند کارخانجات مربوطه را در این جزایر حفظ کند. برای این منظور این صنایع از پرداخت مالیات های محلی هم معافیت می‌گیرند که مجموعاً تا ۴۴٪ از درآمد این شرکت ها را افزایش می‌دهد. در سال ۱۹۶۲ رکس لی، متولد ایداهو، فرماندار کل ساموا که از واشنگتن منصوب می‌شود، گفت که بدون قید و شرط آماده است تمام نیاز های ناوگان ماهی گیری که محصول خود را به کارخانه استارکیست در پاگوپاگو تحویل دهد تأمین کند.



این تعهد به صنایع تولید ماهی در ساموای آمریکا تاکنون توسط تمامی مسئولان دولتی در این منطقه محفوظ بوده و تا قرن بیست و یکم هم ادامه یافته است. در واقع این نگرانی در میان این مسئولان وجود داشته است که اگر کاهش سود دهی این صنعت باعث خروج این صنایع گردد چه اتفاق خواهد افتاد.

داشتن حق استفاده از مهر "ساخت آمریکا" بر بسته های تون نیز جذابیت بیشتری برای تولیدکنندگان ایجاد می کرد، به ویژه از آن رو که ارتش آمریکا به عنوان یک واحد تحت نظارت فدرال فقط مجاز است محصولات تولید آمریکا را بخرد. قانون "از آمریکا خرید کن"، مصوب ۱۹۹۳، برای حمایت از محصولات داخلی و بالتبع اشتغال در آمریکا وضع شده است و از الزامات قراردادهای دولتی و اولویت دولت در همه جا به حساب میاید.

مسئول شورای مدیریت شیلات منطقه پاسیفیک غربی، مارک میتسویاسو می گوید: "موفقیت آینده تأسیسات تولید تون ماهی در ساموای آمریکا وابسته به آن است که مارک "ساخت آمریکا" تا چه اندازه برای این شرکت ها ارزش آفرین باشد. این زمانی یک موهبت بود و هنوز هم با ارزش است." گرچه ممکن است دستمزد کارگر در آسیای جنوب شرقی یا آمریکای جنوبی پایین تر باشد، انحصار تولید ماهی کنسرو برای ارتش ایالات متحده در مناطق عملاً نامرعی تحت سلطه هم چنان مقرون به صرفه است.

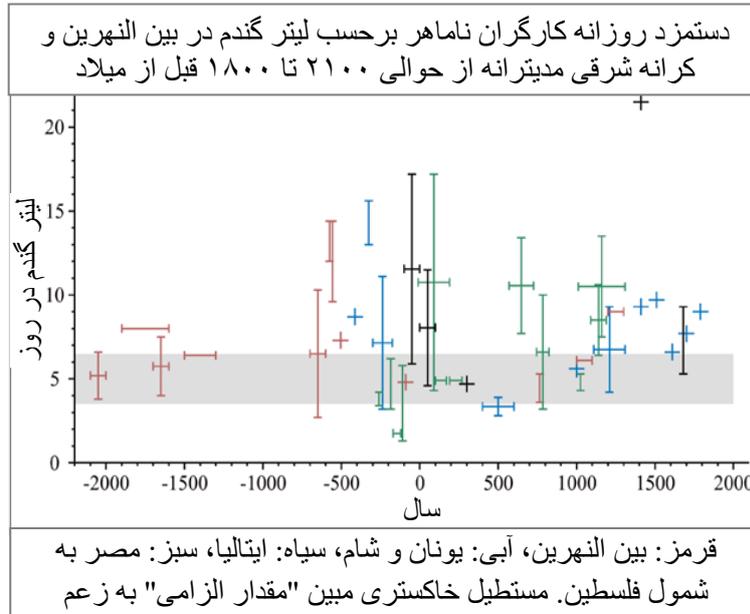


از خواست کارگران برای افزایش دستمزدها حمایت کنیم



طرح کلی تاریخ کار - بخش سیزده

میان لوکاسن، انستیتو بین المللی تاریخ اجتماعی



چرا مناسبات کار تغییر می کنند؟ - ادامه

قصد من در این جا البته این نیست که ثابت کنم تعقیب سود و اقتصاد بازار در طول هزاران سال تاریخ جهانی، واقعیت همیشه و همه جا بوده است. بعضی از مورخان مدعی اند که اعتراضات اجتماعی علیه بسط اقتصاد بازار را می توان در هر جا که اقتصاد نقدی در آن بروز یافته، باز یافت. اگر این فرضیه درست باشد، آن گاه باید با چنین اعتراضاتی در اواسط نخستین قرن قبل از میلاد در سواحل شرقی مدیترانه، در شمال هند و در چین مواجه شد. تقریباً در همان زمانی که نقش پول به عنوان وسیله مبادله، در تعیین زندگی مردمان عادی آغاز می شود، ما به واقع به فیلسوفان و پیامبرانی برمی خوریم که رحم و شفقت را موعظه می کنند؛ از جمله طبعاً بودا، اما همچنین فیثاغورث، و دیگر فیلسوفان یونان باستان، پیامبران تورات، و به احتمال قوی زرتشت نیز.

من فکر می کنم که احتمال بسیاری هست که در برخی از دوره های تاریخی و در گوشه های مختلفی در دنیا یک نوع روحیه فراگیر برای تعقیب سود و منفعت بروز یافته بوده است. با چنین دیدی، حال می خواهم به بررسی یک نوع مهم از مناسبات کار که بر بستر این قبیل اقتصادها ظهور یافت، بپردازم؛ منظوم کار دستمزدی و به ویژه طرق پرداخت دستمزد کارگران است.

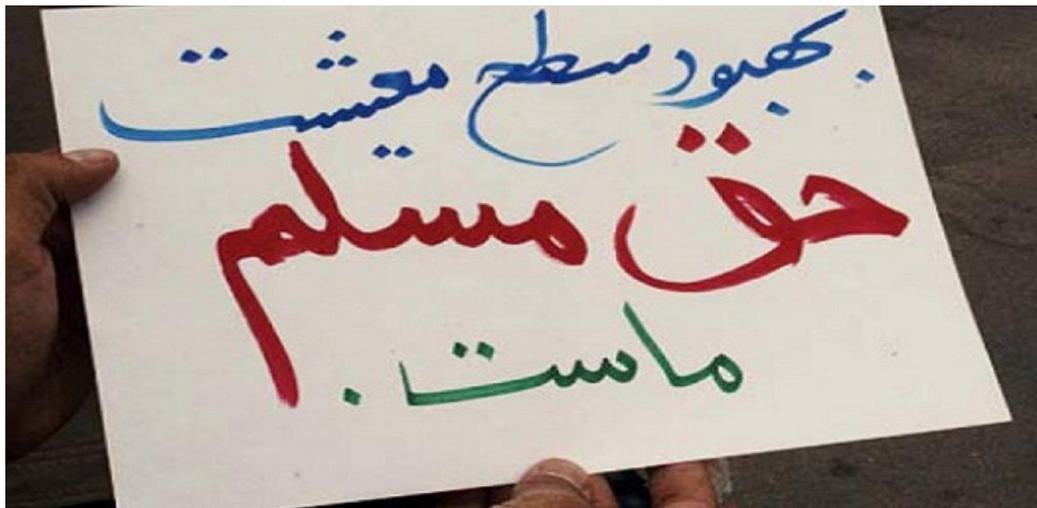
می دانیم که بعضی از تئوریسین ها، از جمله کارل مارکس، تراکم سرمایه را با تراکم فقر همراه می دانستند و بر این اساس فقرزدگی (*Verelendung*) کارگران را در این قسمت از جهان پیش بینی می کردند. خوشبختانه این پیش بینی درست از کار در نیامد، از جمله و نه در کم تأثیرترین میزان، به یمن کوشش های انترناسیونال اول که توسط خود مارکس بنیانگذاری شد و نیز به یمن جنبش کارگری که ماحصل انترناسیونال اول بود. ما چگونگی ایجاد و بسط اشکال پرداخت دستمزد کارگران ناماهر را در دیگر اقتصادهای بازار می توانیم در منطقه بزرگ بین ایتالیا و بین النهرین در طول نزدیک به سه قرن مشاهده کنیم (منحنی بالا). برخلاف والتر اسخیلد، که من داده های منعکس در این منحنی را مدیون او هستم، فکر می کنم آنچه که در سری های زمانی قابل توجه ویژه است، نوسان های بین حداقل



دستمزد – به عنوان بازتاب معیشت حداقل - و حداکثر دستمزد است. این نوسان ها دو الی سه برابر "معیار بابل" یعنی ۶ لیتر غلات به هر شخص در هر روز است.

علل این نوسان ها در حال حاضر اصلاً روشن نیست. آنچه ظاهر آنها نشان می دهد، این است که پیشرفته ترین اقتصادهای بازار، تا آنجا که داده ای از آنها در دست است، لزوماً موجب فقرزدگی دم افزون کارگران ناماهر نمی شده اند، و حتی وضع معمولاً برعکس بوده است: به نظر می رسد به ویژه آن اقتصادهای بازار که خوب سازمانیافته بودند، بیشترین دستمزد ها را به کارگران می پرداخته اند. منظور بازارهایی مثل امپراتوری جدید بابل، آتن، امپراتوری رم، خاورمیانه زیر حاکمیت عباسیان، مملوک ها و عثمانی ها، و ایتالیا در زمان رنسانس است. در این جا آثار "نظم بازار" مشهود است، اگرچه که نباید از یاد برد که درست همین قدرت های نامبرده بودند، که می توانستند به کار ناآزاد نظم دهند و نهادینه اش کنند.

به این ترتیب ما به آخرین دستاوردهای آخرین تحقیقات در عرصه تاریخ کار می رسیم: نوسان در میزان دستمزدها نتیجه نیروهای کور بازار نیستند، یا حداقل تنها نتیجه این نیروها نیستند. بلکه همچنین نتیجه عمل فردی و جمعی خود کارگران دستمزدی نیز هستند. شاید اثبات این نکته برای جوامع غربی محتاج استدلال چندانی نباشد. اقتصاددانان نهادگرا و مورخان اقتصادی – در رأس آنان دوگلاس نورث – بر حاکمیت قانون و توانائی چانه زنی به عنوان پیش شرط های رشد اقتصادی انگشت گذاشته اند. این اصول را می توان به مناسبات بین زن و شوهر در هنگام ازدواج و زناشویی نیز بسط داد. اما اعتبار آنها در توسعه مناسبات کار در یک جامعه نیاز به تأکید ندارد. در ارتباط با جوامع غربی می توان به لغو برده داری، قوانین حمایتی از کارگران مزدبگیر - به ویژه از زنان و کودکان - به قانون حق تحصیل، حق تشکل و اجتماعات، به شمول اتحادیه ها، حق اعتصاب و غیره اشاره کرد. کشورهایی که این حقوق را به بهترین وجه در حوالی ۱۹۰۰ سامان دادند، امروزه جزء ثروتمندترین هایند. در این کشورها در کنار اتحادیه های کارگری، بسیاری دیگر از اشکال سازمان یابی هم چون صندوق های بیمه مشترک و تعاونی ها شکوفا شده اند. این آخری در میان تولیدکنندگان خرد مستقل، برای مثال اتحادیه های کشاورزان، نیز بسیار مرسوم شده است. با نگاه مجددی به پشت سر، می بینم که واحدهای صنفی برای موفقیت تولیدکنندگان مستقل و به درجاتی هم چنین برای خدمه آنان از اهمیت بسیاری برخوردار بوده اند.



بیمه بیکاری برای بیکاران



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



ادامه اعتصاب کارگران معدن در کرمان، تجمع اعتراضی پرستاران کیلانی در مقابل وزارتخانه بهداشت و درمان و پرستاران اصفهانی در مقابل دادستانی، آغاز محاکمه مدیر عامل هفت تپه به خاطر تخلفات ارزی، ادامه بلاتکلیفی مزدی بازنشستگان تامین اجتماعی، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

ادامه اعتصاب کارگران معدن ذغال سنگ در کرمان

اعتصاب کارگران معدن ذغال سنگ در کرمان در این هفته به دلیل عدم توافق میان کارگران و مسئولین دولتی ادامه یافت و وارد دهمین روز خود شد. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت سایر مزایای شغلی و انصراف از خصوصی سازی، مطالباتی هستند که کارگران بیش از ۱۰ روز است برای شان اعتصاب کرده اند.

در همین ارتباط در این هفته طوماری به ابتکار فعالین کارگری و در دفاع از مطالبات کارگران اعتصابی تهیه شد که تا کنون صدها تن از فعالین کارگری و اجتماعی آن را امضا نموده و جمع آوری امضاها هم چنان ادامه دارد. علاقمندان می توانند بطور مستقیم از طریق ایمیل آدرسی که توسط دست اندرکاران جمع آوری امضاها اعلام شده است طومار حمایت از کارگران اعتصابی را امضا نمایند.

آدرس ارسال امضا:

farakhaneam@gmail.com

کارگران معدن ذغال سنگ در شرایطی به اعتراض و مقاومت علیه خصوصی سازی معدن ذغال سنگ برخاسته اند که روند خصوصی سازی موسسات عمومی توسط دولت روحانی در سال های اخیر شدت پیدا نموده و صدها موسسه



بزرگ صنعتی و خدماتی به بهای ناچیز از طریق رانت و زدوبند به وابستگان حکومت واگذار شده‌اند. به گفته "میر اشرف پوری حسینی، رئیس وقت سازمان خصوصی‌سازی"، تا فروردین ۹۸، "در ۱۲ سال که کار واگذاری شرکت‌ها شروع شده است بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سهم واگذار کرده‌اند. البته ارزش واقعی این سهام‌ها می‌بایستی خیلی بیشتر از این رقم باشد، ولی همین مقدار نیز که رقم بزرگی است معلوم نیست چه بر سرش آمده و کجاها هزینه شده است.

نتیجه این واگذاری‌ها که به بهانه جلب نظر سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش تولید، ایجاد اشتغال و بهانه‌هایی از این دست صورت گرفته، نه تنها به تحقق هیچ یک از اهداف ذکر شده منتهی نشده بلکه نتایج واقعی آن از غارت بخش مهمی از دارایی‌های عمومی، از بین بردن قوانین حمایتی و حق و حقوق کارگران، افت شدید تولید، افزایش بیکاری و رواج دلالی و فساد بوده است. به همین جهت است که کارگران و کارکنان موسسات عمومی به شدت با خصوصی‌سازی‌ها مخالفند و علیه آن به اعتراض برخاسته‌اند. دولت با بهره‌گیری از فضای که در اثر کرونا حاکم شده است، می‌کوشد مقاومت کارگران و دیگر عدالت‌خواهان علیه خصوصی‌سازی را در هم بشکند و باقی‌مانده موسسات عمومی را بین اعوان و انصار حکومت تقسیم کند تا بتواند حمایت آنها را حفظ و از آن علیه مبارزات اجتماعی استفاده نماید. مردمی که پیامدهای مخرب خصوصی‌سازی، موسسات تولیدی و خدماتی، بیمارستان‌ها و مدارس را تجربه کرده‌اند، در مبارزه با خصوصی‌سازی در کنار کارگران، معلمان، پرستاران و پزشکان و سایر مزدبگیران قرار دارند و عموماً از مبارزات کارگران و مزدبگیران دفاع می‌کنند.

تجمع اعتراضی پرستاران در مقابل وزارت خانه بهداشت و درمان

در ۳۱ اردیبهشت شماری از پرستاران قراردادی گیلانی که به نمایندگی از جانب صدها پرستار جهت اعتراض به قراردادهای ۸۹ روزه کار به تهران آمده بودند، در مقابل وزارت خانه بهداشت و درمان تجمع کردند. نمایندگان پرستاران گیلانی در تجمع اعتراضی خود ضمن اعتراض به استخدام ۸۹ روزه خواستار استخدام رسمی و بهره‌مندی از کلیه حقوق و مزایای شغل پرستاری شدند. گفتنی است که وزارت بهداشت با وجود کمبود پرستار در بیمارستان‌ها و نیاز شدیدی که به پرستار دارد، از استخدام پرستاران به صورت رسمی طفره می‌رود تا دستمزد و مزایای کمتری به آنها بدهد و بوسیله قراردادهای اسارت بار ۸۹ روزه پرستاران را تحت فشار قرار دهد و اعتراضات صنفی شان را مانع گردد. قراردادهای موقت و استخدام شرکتی پرستار در واقع اقداماتی هستند جهت پائین نگاه داشتن دستمزدهای نیروی کار و وسیله‌ای در دست دولت و کارفرمایان برای تشدید استثمار و جلوگیری از تشکیل یابی پرستاران. با این همه خوشبختانه پرستاران آگاه‌تر از آن هستند که تسلیم این تحمیلات زورگویانه و استثمارگرانه شوند و در مقابل آنها تسلیم شوند. اوج‌گیری اعتراضات پرستاران در ماه‌های گذشته و تداوم آنها نشان از عزم جزم پرستاران برای دفاع از حق و حقوق بدیهی شان دارند.

پرستاران اصفهانی نیز در روز پنج‌شنبه همین هفته در تجمع اعتراضی که در مقال دادستانی برگزار کردند، بواسطه بی‌پاسخ ماندن اعتراضات مطالباتی شان توسط دولتمردان و کارفرمایان، از دادستان تقاضای مداخله برای رسیدگی دولت به مطالبات معوقه شان شدند! اما واقعیت این است که همه نهادهای حکومتی در برخورد با حق و حقوق کارگران و به حداقل رساندن آن اشتراک نظر دارند و بعید است پرستاران از مراجعه به این نهادها نتیجه بگیرند. یگانه عاملی که می‌تواند به پرستاران برای گرفتن حق و حقوق شان یاری موثر رساند، داشتن تشکل مستقل و متحد شدن در آن است.

"به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از پرستاران و کادر درمانی اصفهان در اعتراض به عدم اجرای قوانین بر زمین مانده پرستاری از سوی دانشگاه علوم پزشکی و وزارت بهداشت برای پیگیری مطالبات خود به دادستانی رفتند.



این پرستاران خواهان این هستند که دادستانی به عنوان مدعی‌العموم وارد شود. پرستاران "خواهان اجرای قانون تعرفه‌گذاری، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، فوق‌العاده ویژه، برطرف کردن کمبود نیروی انسانی و برطرف کردن تبعیض در کارانه هستند".

آغاز محاکمه مدیرعامل هفت تپه به دلیل تخلفات ارزی و مالی

نخستین جلسه محاکمه "امید اسدیگی" مدیرعامل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه به دلیل تخلفات مالی سرانجام پس از چند سال تعلل روز سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت برگزار شد. بنا به گزارش (ایلنا) در نخستین جلسه محاکمه "اسدیگی" و عده دیگری از همدستان او، ... «امید اسدیگی» متهم ردیف اول این پرونده است که در کیفرخواست او عنوان اتهامی سردهستگی سازمان یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی به چشم می‌خورد. در بخش دیگری از گزارش مدیرعامل هفت تپه از طرف نماینده دادستانی در دادگاه هم چنین به تخلفات متعدد متهم شده است. یک نمونه از تخلفات این پرونده کلان ارزی، متهمان اسدیگی و رستمی با همکاری کحال زاده و شرکت معتمد پارسه، حدود ۶۰۰ میلیون دلار ارز برای راه اندازی خط تولید ۱۸ هزار تنی شکر اخذ می‌کنند، اما قراردادی ۱۴ میلیون دلاری را برای خرید یک خط تولید دست دوم منعقد کرده‌اند که حتی خط تولید ۱ لیتلی ۴ میلیون دلاری هم هرگز وارد کشور نشده است.

گفتنی است که این سواستفاده‌ها در جریان اعتصابات پیاپی کارگران هفت تپه در دو سه سال اخیر بارها افشا شده بود، منتهی مسئولین دولتی و قضایی به جای بازداشت و محاکمه اسدیگی و همدستان وی رهبران و اعضای سندیکای کارگران هفت تپه را بازداشت و محاکمه و شکنجه کردند. اگر امروز مدیرعامل هفت تپه و همدستان وی در حال محاکمه شدن هستند به دلیل افشاگری‌های مستند بخشی، نجاتی و حنیفر، سپیده قلیان، کارگران هفت تپه و روزنامه نگاران شجاعی ست که دم به دم گزارشات این فسادها را همراه با گزارشات اعتصابات کارگران هفت تپه منتشر کردند و مردم را در جریان آنها قرار دادند. با این اوصاف دیگر امکان رها کردن مدیرعامل هفت تپه و هم‌دستان اش به حال خودشان برای مقامات قضایی دشوار و تف‌سربالا و خلاف جنجال‌های تبلیغاتی فریبکاران رئیسی و دارودسته‌اش می‌بود. مسئله دیگر نیاز حکومت به ارز خارجی و تلاش برای پس گرفتن بالغ بر یک میلیارد دلار ارزی است که توسط دارودسته مدیرعامل هفت تپه ربهوده شده و به افلاس اقتصادی در هفت تپه منجر شده است. "اسدیگی" و شرکای اش البته محال بوده که چنین رقم درشتی را بدون همدستی با مقامات دولتی بالا بکشند. توان این غارتگری‌ها را آنها می‌خواستند از اخراج صدها کارگر و ندادن حق و حقوق آنها جبران کنند و این خود مهمترین محرک یک رشته اعتصابات در هفت تپه بود. محکومیت مدیرعامل ظاهرا بنا به مدارکی که علیه وی وجود دارد محرز به نظر می‌رسد. با این وصف اما تردید وجود دارد که کسانی که بخاطر اعتراض به این فسادها به زندان و اخراج محکوم شده‌اند فلور آزاد و به سر کارهای شان بازگردانده شوند و به آنها خسارات پرداخت شود. همچنین تردید جدی وجود دارد که مالکیت هفت تپه دوباره به دولت عودت داده شود و وضعیت کارگران آن بهبود پیدا کند!

بلا تکلیفی مزدی بازنشستگان تامین اجتماعی با وجود گذشت دوماه از سال

با وجود گذشت دو ماه از سال هنوز حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی افزایش پیدا نکرده است و آنها هم چنان در بلا تکلیفی به سر می‌برند. مطابق قوانین موجود حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی بایستی حداقل ۲۱ درصد افزایش داده می‌شد و از فروردین به بعد پرداخت می‌شد. ظاهرا دولت با تعلل در پرداخت افزایش ۲۱ درصدی دست پخت شورای عالی کار به بازنشستگان که به این مقدار افزایش اعتراض دارند و آنرا ناکافی می‌دانند، قصد دارد بازنشستگان را تنبیه نماید. به همین دلیل افزایش ۲۱ درصدی را منوط به تصویب آن در هیئت وزیران نموده است. خبرگزاری "ایلنا" در روز پنج‌شنبه هفته جاری نوشت: «محمدحسن زدا» با انتشار متنی در اینستاگرام از ارائه پیشنهاد افزایش ۲۱ درصدی حداقل مستمری سال ۹۹ توسط سازمان تامین اجتماعی به هیات وزیران خبر داد. زدا تاکید کرد که این پیشنهاد باید به تایید هیات وزیران برسد. یعنی به مرگ گرفته تا بازنشستگان را به تب راضی



کنند. در مورد تقاضای تجدید نظر در دستمزد ۹۹ نیز دولت تا کنون هیچ نرمشی از خود نشان نداده و تنها گفته شده که دولت حاضر به گفتگو در شورای عالی کار بر سر افزایش حق مسکن به میزان ۱۰۰ هزار تومان در ماه است که حتی اگر تصویب شود شامل حال بازنشستگان نمی شود. موافقت با گفتگو بر سر افزایش حق مسکن به مقدار ۱۰۰ هزار تومان در حالی عنوان می شود که قیمت و کرایه مسکن طی دوماه اخیر ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است.

پایان اعتراضات کارگران شهرداری خرمشهر

کارگران شهرداری خرمشهر در چهارشنبه هفته جاری بعد از چند روز اعتصاب و اعتراض پس از پرداخت بخشی از مطالبات شان پایان دادند و به سر کارهای شان بازگشتند. مطالبه اصلی کارگران پرداخت نشدن منظم دستمزد و معوقات مزدی بود. علت عدم پرداخت دستمزدها به قرار گزارش خبرگزاری (ایلنا) وصول نشدن طلب های مالیاتی شهرداری و رکود ساختمان سازی در شهر است. گفتنی است که همزمان با خرمشهر چند اعتصاب در شهرداری های دیگر از آن جمله در شاهین شهر اصفهان نیز در این هفته انجام گرفت که علت اصلی اکثر آنها پرداخت نشدن به موقع دستمزدهای کارگران بوده است.

احضار جعفر ابراهیمی و چند فعال فرهنگی به دادگاه به اتهام "تبلیغ علیه نظام"

از وقتی که رئیسی و عده برخورد منعطف با فعالین صنفی را داده است تا کنون کمتر هفته ای بوده که یک یا چند فعال صنفی به دادستانی برای بازجویی و یا برای گذراندن مدت محکومیت شان احضار نشده باشند. در این هفته " ۳۰ اردیبهشت" نیز جعفر ابراهیمی و تتی چند از فعالین تشکل های مستقل صنفی معلمان به اتفاق آقای تاج وکیل مدافع شان جهت بازجویی به دادگاه احضار شدند تا به اتهام ساختگی "اقدام علیه امنیت کشور" که خود قاضی پرونده بهتر از هر کس دیگری می داند که اتهامی ساخته و پرداخته خود دستگاه قضایی است پاسخ دهند! به نوشته (سایت اخبار روز) جعفر ابراهیمی ضمن رد اتهام انتسابی ضمن دفاع از عملکرد خویش به قانونی بودن فعالیت های صنفی معلمان و مطالبات به حق معلمان پرداخته است در پایان جلسه دادرسی قاضی پرونده قرار وثیقه صادر کرده است که با درخواست وکیل با قرار کفالت دو تن از همکاران موافقت کرده است.

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

علیه بیکاری، برای تامین امنیت شغلی و ایجاد اشتغال